

# شناسایی دانش آموزان

## ناتوان در یادگیری

## در کلاسهای عادی

دکتر غلامعلی افروز

اصطلاحات ناتوانیهای یادگیری<sup>۱</sup>، ناتوان در یادگیری<sup>۲</sup> و یا یادگیرنده ناتوان<sup>۳</sup> مفاهیم نسبتاً جدیدی است که امروزه در محافل علمی و در قلمرو تعلیم و تربیت متداول شده است. "یادگیرنده ناتوان"، کودک یا دانش آموزی است که توانمندی او در یادگیری مطالب و موضوعات درسی بطور قابل ملاحظه‌ای با دیگر همسالانش متفاوت است. برای چنین کودک یا دانش آموزی یادگیری مهارت‌های آموزشی گاهی مثل خواندن و نوشتن به شیوه معمول در مدارس بسیار مشکل و بعضاً غیرممکن است.

از نظر تاریخی این قبیل کودکان با برچسب‌ها و عناوین مختلفی معرفی شده‌اند. اصطلاحاتی از قبیل "کودک آسیب دیده مغزی"<sup>۴</sup>، کودک با اختلال جزئی مغز<sup>۵</sup>، کودک نارسا خوان<sup>۶</sup>، و اخیراً کودک ناتوان در یادگیری<sup>۷</sup> عناوینی بوده است برای کودکی که به گونه‌های کاملاً متفاوت از دیگران می‌تواند



توجه دقیق به مسأله مهم تفاوت‌های درون فردی یا تفاوت قابل ملاحظه میان بعضی از تواناییها و استعدادهای مختلف کودک است.

امروزه مطالعات مختلف نشان می‌دهد که حداقل سه تا ده درصد کودکان سنین مدرسه به نحوی دچار اختلال در امر یادگیری هستند. بنابراین با توجه به فراوانی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانیهای یادگیری در هر مدرسه (عمدتاً دبستان) و احتمال حضور یک یا چند کودک ناتوان در یادگیری (خواندن، نوشتن، هجی کردن، حساب کردن و...) در هر کلاس، لازم است اولیای مدرسه، بویژه معلمان دوره ابتدایی بیش از دیگران نسبت به پدیده اختلالات یادگیری آشنایی داشته، قادر به شناسایی این قبیل کودکان در کلاس خود باشند.

در واقع برای بسیاری از معلمان مجرب و دوره دیده تشخیص این دانش‌آموزان امری چندان دشوار نخواهد بود. بدیهی است که مشکل یادگیری دانش‌آموز می‌تواند جزئی یا خیلی جدی و قابل ملاحظه باشد. آشنایی معلم مدرسه عادی با مهمترین ویژگیهای کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری اولین گام در شناسایی و تشخیص صحیح و بموقع ایشان است.

این دانش‌آموزان حداقل با یک یا چند مورد از مشکلات زیر مواجه هستند:

۱- مشکلات ادراکی

۲- مشکلات حرکتی

۳- مشکلات در توجه

۴- مشکلات مربوط به جهت‌یابی و ارتباط

فضایی

۵- مشکلات گویایی

یادبگیرد و نیازمند تدابیر و آموزشهای ویژه است.

بنابراین کودک ناتوان در یادگیری کودکی است که بدون آنکه نابینا باشد نمی‌تواند مانند کودکان عادی ببیند و از عهده تشخیص صحیح بصری برآید، و با آن که ناشنوا نیست، اما غالباً نمی‌تواند بطور طبیعی گوش داده، تشخیص درست شنوایی داشته باشد، و سرانجام با اینکه عقب مانده ذهنی یا فرهنگی نیست، ولی نمی‌تواند خوب یادبگیرد و نیازمند توجهی خاص است.

به طور کلی "ناتوانی خاص در یادگیری" یعنی اختلال در یک یا چند کنش ذهنی که در ارتباط با درک یا به کارگیری زبان گفتاری و یا نوشتاری است و به صورت نقص و ناتوانی در زمینه‌های شنیدن، فکر کردن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، هجی کردن و یا محاسبه ریاضی پدیدار می‌شود.

تشخیص و شناسایی دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری به عنوان گروهی از کودکانی که نیازمند آموزش و پرورش ویژه هستند، امری است بسیار مهم و در عین حال فوق‌العاده حساس. این مشکل معمولاً بعد از آنکه کودک مدتی در مدرسه عادی مشغول تحصیل می‌شود ظاهر گشته، تشخیص دقیق آن به وسیله یک گروه متخصص متشکل از معلمان، مربیان و مشاوران مدرسه و با همکاری کارشناسان مجرب در امر ارزیابی و تشخیص اختلالات و ناتوانیهای خاص تحصیلی و نیز مساعدت والدین مقدور خواهد بود.

از مهمترین نکات قابل توجه در امر تشخیص ناتوانیهای یادگیری، ضمن پرهیز از برداشتهای سطحی و زدن برچسبهای ناروا،

۶- مشکلات در حافظه

۷- نارسایی در تفکر ادراکی

۸- مشکلات رفتاری

بدیهی است همه مشکلات مزبور در یک کودک بخصوص ملاحظه نمی شود و هر کودک نقاط قوت و ضعف خودش را دارد. با اینکه غالب کودکان ناتوان در یادگیری به لحاظ تفاوت‌های فردی از ویژگی‌های جسمی و ذهنی منحصر به فردی برخوردار هستند، مع هذا معلم می تواند چند ویژگی رفتاری عام و مشترک را که همه کودکان ناتوان در امر یادگیری از خود نشان می دهند، به شرح زیر مشاهده کند.

۱- ناکامیهای پی در پی در یک یا چند موضوع درسی

اینکه هر دانش آموزی ممکن است گاهی با شکست مواجه شود امری است طبیعی، اما آنچه که در مورد کودکان ناتوان در یادگیری اتفاق می افتد شکستها و ناکامیهای پی در پی و ممتد آنها در یک یا چند موضوع درسی است و بعضاً همین امر به رغم اینکه آنها از نظر هوشی در سطح متوسط یا بالاتر قرار دارند، موجب مردودی ایشان می شود.

۲- فقر انگیزش

ناکامیهای مستمر دانش آموزان ناتوان در یادگیری و بعضاً عکس العمل ناخوشایند اولیای مدرسه و والدین، موجب می شود که رغبت و انگیزه تحصیلی آنان ضعیف شده، احساس خودارزشمندی و اعتماد به نفس ایشان کاهش

یابد. در چنین شرایطی این دانش آموزان بتدریج نگرشی منفی و بازدارنده نسبت به مدرسه پیدا می کنند و نه تنها با دقت و تلاش لازم تکالیف مدرسه را انجام نمی دهند، بلکه بعضاً به طرق و زبانهای مختلف ناخشنودی خود را از محیط مدرسه ابراز می کنند: "من دوست ندارم به مدرسه بروم"، اصلاً چرا مشق بنویسم یا حساب حل کنم"، هر چی می نویسم و می خونم باز هم نمره کم می گیرم" و...

۳- فراوانی ناراحتیهای جسمانی و بیماریهای روان - تنی<sup>۸</sup>

بسیاری از دانش آموزانی که با مشکلات یادگیری مواجه هستند، بیش از دیگر



با پری در  
توپ بازی  
توپ را می اندازد

توپ را با پا می زند.



فرهنگی محروم بوده است، باید برای توسعهٔ رشد و جامعیت فکر او تلاش کرد. دانش-آموزانی که از یک محیط غنی فرهنگی در خانواده برخوردار نبوده‌اند نیاز به یک برنامهٔ جامع توسعهٔ "زبان" دارند، به گونه‌ای که ببینند، حس کنند، بچشند، بشنوند و کلمات و واژه‌ها را یاد بگیرند. فی‌المثل "پرتقال" واژه‌ای نیست که فقط مفهوم "خوردن" از آن به ذهن متبادر گردد، بلکه پرتقال می‌تواند برای کودک از جهات مختلف "شکل"، "رنگ"، "اندازه"، "مزه"، و "احساس" معنا داشته باشد.

ارزیابی مقدماتی معلم کلاس عادی از امکان حضور دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری

باتوجه به آنچه که تاکنون بدان اشاره شده است، اینک معلم کلاس می‌تواند با یک نگاه کلی به دانش‌آموزان خود اسامی آن عده از دانش‌آموزانی را که دارای ویژگیهای زیر هستند یادداشت کند:

۱- هیچ‌وقت تکلیف کلاسی را بموقع تمام نمی‌کنند.

۲- تکالیفی را که انجام می‌دهند در مقایسه با سطح متوسط کلاس بسیار ضعیف است.

پس از این مرحله معلم باتوجه به عوامل زیر علت یا علل احتمالی ناکامیها و شکستهای پی‌درپی دانش‌آموزان مورد نظر را بررسی می‌کند.

۱) خطاهای رفتاری بر حسب عادت، بخصوص صحبت کردن در کلاس، از جای خود بلند شدن و اذیت کردن دیگران.

دانش‌آموزان به ناراحتیها و بیماریهای مختلف مانند عفونتهای گوش، نارساییهای بینایی، سرگیجه، سردردهای ممتد، دل‌دردهای متناوب و غیره مبتلا می‌شوند. در بعضی از موارد بیماریهای جسمانی این دانش‌آموزان به دلایل فشارهای روانی (روان - تنی) است.

#### ۴- مشکلات خانوادگی

غالباً کودکان ناتوان در یادگیری متعلق به خانواده‌هایی هستند که در دوران رشد خود پیوندهای عاطفی لازم را با والدین خود نداشته‌اند. به عبارت دیگر این کودکان از نظر ارتباطات عاطفی - روانی با پدر و مادرشان، خاطرات و تجارب خوشایندی ندارند. اینان در بسیاری موارد از سوی والدین مورد سرزنش، تحقیر، تهدید و احیاناً تنبیه بدنی واقع شده‌اند. بنابراین معلم کلاس می‌بایست به این نکته توجه داشته باشد و عندالاقضاء با ترتیب دادن جلسات گفت و شنود باوالدین، ضمن تشریح وضع تحصیلی کودک، اهمیت ارتباط عاطفی پدر و مادر با کودک و نیز تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی وی متذکر شود.

در هر حال همان‌گونه که اشاره شد، می‌بایست هر کودک به طور انفرادی از جهات گوناگون مورد ارزیابی جامع قرار گیرد، که انجام آزمایشهای سنجش شنوایی و بینایی از اساسی‌ترین اقدامات است. معلم کلاس باید در درجهٔ اول از سلامت جسمی و ذهنی و بخصوص سالم بودن حس شنوایی و بینایی دانش‌آموزان خود که از آن طریق با آنها ارتباط دارد، اطمینان حاصل کند. چنانچه دانش‌آموزی از زندگی در یک محیط غنی خانوادگی به لحاظ

۲) سابقه غیبت و تأخیر ورود به مدرسه و کلاس

۳) ناتوانی در گفتن اسامی چند وسیله یا شیء، مثل قیچی، خط کش و ضعف در بیان چگونگی کاربرد بعضی از اشیاء.

۴) اضطراب کاملاً محسوس در رفتار که بعضاً به صورت گوشه گیری، در انزوا به سر بردن (بدون داشتن دوستی در کلاس)، نیاز به توالی رفتن و یا جیغ زدن و گریه کردن بروز می کند.

اگر در فهرست معلم کلاس اسامی کسانی باشد که ویژگیهای یادشده در رفتار آنان قابل مشاهده است، در واقع معلم ارزیابی مقدماتی خود را از وجود دانش آموزان ناتوان در یادگیری به انجام رسانیده و اینک لازم است که با همکاری دیگران ارزیابیهای بیشتری انجام پذیرد.

برای اینکه معلم کلاس و یا سایر معلمان و اولیای مدرسه اطمینان بیشتری نسبت به ارزیابیهای انجام شده حاصل کنند، لازم است برای چند هفته رفتار دانش آموزان مورد نظر (فهرست شده) دقیقاً در ساعات مختلف درس، در زنگهای تفریح، هنگام ورود به مدرسه و خارج شدن از آن و غیره مورد مشاهده قرار گیرد. بدیهی است که بعد از ارزیابیهای انجام شده در مدرسه، برقراری جلسات گفت و شنود با والدین کودکان مورد نظر امری است فوق العاده ضروری. بخصوص همکاری والدین در ارائه گزارش از چگونگی رفتار کودک در خانواده، می تواند کمک مؤثری برای اولیای مدرسه در امر تهیه گزارش جامع از وضعیت تحصیلی و ویژگیهای رفتاری کودک باشد.

بعد از انجام ارزیابیهای لازم به توسط اولیای مدرسه و با همکاری والدین دانش آموز، بدون تردید باید پیش از معرفی کودک برای استفاده از خدمات آموزش استثنایی، وضعیت کلی کودک به وسیله کمیته ای متشکل از متخصصان رشته های پزشکی، روان شناسی، آموزشی، کارشناسان تربیتی، معلم و والدین کودک مورد ارزیابی مجدد واقع گردد. بدیهی است انجام آزمایشهای پزشکی و بویژه سنجش قدرت شنوایی و بینایی کودک قبل از تشکیل جلسه می تواند فوق العاده مؤثر باشد.

بنابراین برای اینکه معلمان مدارس عادی بتوانند با حداقل خطا از عهده شناسایی و تشخیص صحیح برآیند، لازم است دوره های ویژه ای برای همه معلمان مقطع ابتدایی تدارک دیده شود. طراحی و برگزاری چنین دوره هایی می تواند سرمایه مطلوبی برای نظام آموزش و پرورش باشد و از به هرز رفتن نیروها، افت های تحصیلی، مردودی ها و... پیشگیری کند.

برنامه اخیر سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور که در جهت ارزیابی و سنجش بینایی، شنوایی و هوش کودکان سنین پیش دبستانی طراحی و به مورد اجرا گذاشته می شود، گام بسیار مهمی در جهت پیشگیری از بسیاری اختلالات یادگیری و رفتاری و افت های تحصیلی خواهد بود؛ زیرا تجارب به دست آمده بیانگر این حقیقت است که در سالهای گذشته همواره درصد قابل توجهی از دانش آموزان دبستانی بدون آنکه عقب ماندگی ذهنی داشته و یا به نوعی دچار اختلال در یادگیری به معنای دقیق آن بوده باشند، صرفاً به دلیل نارسایی شنوایی و یا بینایی پنهان و غیر مشهود با ناکامی تحصیلی مواجه شده اند و یا



ارزیابی جامع بینایی، شنوایی و شناختی کودکان قبل از ورود به مدرسه بیش از هر چیز، در کارآمدی نظام آموزش و پرورش کشور مؤثر است و زمینه سلامت عمومی و بهداشت روانی عموم دانش آموزان را فراهم می‌سازد.

### پاورقیها:

- 1 - LEARNING DISABILITIES
- 2 - LEARNING DISABLED
- 3 - DISABLED LEARNER
- 4 - BRAIN INJURD CHILD
- 5 - MINIMAL - BRAIN DISFUNCTIONING
- 6 - DYSLEXIC CHILD
- 7 - LEARNING DISABLED CHILD
- 8 - PSYCHOSOMATIC

بعضاً با عقب ماندگی ذهنی قابل ملاحظه (بدون هرگونه علائم مشخص بالینی) وارد مدرسه شده و بتدریج ناتوانی ایشان در یادگیری و عقب ماندگی تحصیلی آشکار و آشکارتر گشته است.

متأسفانه در سالهای گذشته حدود نیمی از دانش آموزانی که در مدارس استثنایی (بویژه عقب مانده ذهنی) ثبت نام کرده بودند، تجارب تلخی از حضور یک، دو و چندساله در مدارس عادی داشته، با کوله باری از خاطرات ناخوشایند و رفتارهای سازش نایافته وارد محیط جدید استثنایی شدند. لذا اجرای چنین طرح جامعی می‌تواند کمک مؤثری برای معلمان دوره ابتدایی در شناسایی هرچه صحیح‌تر دانش آموزان خود باشد و خطاهای تشخیصی را به حداقل برساند.